

شرح احوال و آثار میر داماد استر آبادی

از

اغناطیوس الصیصی

الف - شرح احوال

نام

نام میر داماد را در جمیع مآخذ محمد باقر یاد کرده اند و در این خلاصی نیست و مقدمه آثار خود وی نیز این سخن را تأیید می کند چنانکه در آغاز جداول گوید:

«برید خامه افاضت سیامه حضرت بطلمیوس مرتبت. . . در حق مخلصترین دعاگویان دولت ابد اتصال. . . افقر المفتاقین الی رحمة الله الحمید الغنی محمد بن محمد باقر الداماد الحسینی. . . بمنصه صدور رسیده».

و نیز در پایان اجازه روایت حرزی^۱ که برای یکی از شاگردانش نوشته و صاحب روضت آنرا دیده است نویسد: «کتب بیمنه الدائرة احوج الخلیق الی الله الحمید الغنی محمد بن محمد یدعی باقر بن داماد الحسینی ختم الله له بالحسینی حامداً مصلیاً»^۲

لقب

میر محمد باقر به القاب و انساب و اوصافی چند شهرت یافته است:

۱- برهان الدین: این لقب را تنها تقی الدین

۱- حرز بکسر حاء بی نقطه و تقدیم راه مهمله برزاء معجمه، که بر احراز بوزن اشخاص جمع بسته می شود در لغت به معنی مایه حفظ و جای استوار است. و گویند حرز حرز به معنی جای امن و نیک استوار و در اصطلاح، نوعی از تعویذ به معنی عام است مخصوصاً الواح و ادعیه که برای حفظ از بلیات و شرعدها و حوادث

صفحه ۱۰۰

محمد بن شرف الدین علی حسینی کاشانی شاعر و تذکره نویس معاصر میر داماد - که به فیض دیدار وی نیز نائل آمده است، در کتاب «خلاصه الاشعار و زبدة الافکار»^۳ ضبط کرده است و در مآخذ دیگر مشهود نیفتاد.

۲- امیر، میر: امیر و میر که دومین مخفف اولین است بمعنای «پادشاه و سلطان و ملک زاده و شاهزاده و آغا و خداوند و حاکم و رئیس و پیشوا و سردار و سالار و رئیس طایفه» آمده است. صورت مخفف میر در عربی نیز به معنای امیر آمده است و در فارسی نیز از قدیم مستعمل بوده است فردوسی گوید:

یکی میر بود اندر آن شهر اوی

سرافراز و بالشکر و آبروی

و سعدی فرماید:

میرامون^۴. این لفظ در قرون اخیره خاصه از قرن دهم تاکنون^۵ چه در ایران و چه در هندوستان به عنوان لقبی در مورد سادات و فرزندان پیامبر اسلام بکار رفته و با مراجعه به کتب رجال و تاریخ این ادوار با افراد بسیاری که این لقب بر نامشان مقدم است برمی خوریم. این لقب در مورد صاحب ترجمه نیز از باب سیادت وی و انتسابش

و آفات ناهنجار نوشته با خود دارند (کنوز المعزمین* مقدمه استاد جلال الدین همائی صفحه ۱۰۱).

۲- روضات صفحه ۱۱۵.

۳- نسخه خطی مجلس شورای ملی جلد ۱ اصل دوم - فصل اول.

۴- فرهنگ نفیسی: میر ۵- برهان قاطع مصحح معین.

معارف اسلامی

به خاندان رسول است.

۳- داماد: «داماد» اشهر القاب صاحب ترجمه است و جمیع مورخان و رجالیان او را باین لقب یاد کرده‌اند. محمدالمجیبی بجای داماد «الدامادی» بایاء نسبت آورده است ولی در هیچ یک از مآخذ این صورت مضبوط نیست. این لقب، گاه مجرداً استعمال شده و گاه بامیر و امیر وسید به گونه ترکیب وصفی (که زمانی تخفیفاً در فارسی اسقاط کسره اضافه می‌شود) به صورت میرداماد، الامیرالداماد، سیدداماد السیدالداماد بکار می‌رود. دروجه تسمیه این لقب دو قول است: برخی نوشته‌اند داماد لقب میرشمس‌الدین محمد پدر میرمحمدباقر بوده است به سبب مصاهرت باشیخ علی بن عبدالعالی کرکی. ۷. بعضی داماد را لقب خود میرمحمدباقر دانند و گویند چون وی به دامادی شاه عباس مفتخر آمد به دین لقب خوانده شد. ۸. از سیاق عبارت و ظاهر کلام مولوی محمد مظفرحسین صبا چنین برمی‌آید که وی معتقد به مصاهرت میرمحمدباقر بامجتهد کرکی بوده است. چنانچه در احوال میر آورده است: میرمحمدباقر داماد... خلف میرشمس‌الدین و داماد ملاعبدالعال مجتهد عهد شاه عباس صفوی از این جهت به داماد اشتہار یافت. ۹. قول اتقن واحسن همانست که میرشمس‌الدین محمد پدر میرداماد خود صہر علی بن عبدالعالی الکرکی بوده است چه اولاً میرمحمدباقر از خود به «باقر بن داماد» یاد کرده است. ۱۰. ثانیاً در مآخذ معتبر و موثق که بعصر صاحب ترجمه نوشته شده بدین معنی اشارت گردیده است چنانکه تقی‌الدین کاشی «داماد» را به صورت لقب امیر شمس‌الدین محمد الاسترابادی ضبط کرده ۱۱ و اسکندربیک مہشی، میرمحمدباقر را «دخترزاده مجتهد مرحوم میرزا شیخ علی عبدالعالی ۱۲ دانسته است.

ثالثاً نسخه‌ای از حاشیه میرداماد بر استبصار در

- ۶- خلاصه الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر جلد ۴ صفحه ۳۰۱.
- ۷- ر. ک این مقدمه «مادر» ص ۳۵.
- ۸- نتایج الافکار صفحه ۴۵ و نگارستان سخن صفحه ۸.
- ۹- تذکره روز روشن صفحه ۵۲.
- ۱۰- ر. ک این مقدمه «نام» ص ۲۶.
- ۱۱- ر. ک خلاصه الاشعار نسخه خطی مجلس جلد ۱ اصل دوم فصل اول.

کتابخانه سپہسالار طهران مضبوط است که کاتب آن محمد مهدی بن میرزا محمد جعفر گلستانه ۱۳ می‌باشد. در نخستین صفحه این نسخه چنین آمده است: «این حواشی از جد من امیر محمد باقر بن شمس‌الدین محمد استرآبادی که مادر ایشان دختر محقق ثانی علی بن عبدالعالی کرکی بوده می‌باشد» ۱۴ علی‌هذا میرشمس‌الدین لاشک داماد محقق ثانی بوده و بهمین سبب نیز به «داماد» ملقب و مباحی می‌بوده است، و همین لقب نیز در مورد فرزند وی میرمحمد باقر متداول است. و شهرتی بیشتر بدین نام پیدا کرده است چنانکه موجب توهم برخی بر اختصاص این لقب بروی گردیده است. و باشد که نخست لفظ داماد در یک ترکیب اضافی چون باقر داماد و مانند آن به صورت اضافه بنوت بکار می‌رفته است و سپس این معنی فراموش و داماد بر میرمحمد باقر علم بالغلبه گردیده است. در میان رجال دین و دانش جز میرمحمد باقر به چند تن دیگر که به داماد ملقب بوده‌اند برمی‌خوریم:

الف - حسن بن احمد الزعفرانی الرومی الحنفی به سال ۱۲۲۳ از اصحاب تفسیر و صاحب «حاشیه انوار التنزیل» بیضاوی ۱۵.

ب - میر صالح بن سید حسن یوسف الموسوی فقیه و اصولی شیعه متوفی به سال ۳۰۳ و صاحب «المہذب فی اصول الدین»، «زهرالریاض» و «صفاء الروضه» ۱۶.

ج - میرزا حسین بن سیدحسن برادر میرزا صالح مذکور متوفی به سال ۱۳۰۲ که او نیز چون برادر ملقب به داماد بود و شگفت تر آنکه لقب داماد در حق این دو برادر همچون میرمحمدباقر داماد از راه تورات بوده است چه پدرشان سیدحسین داماد سیدعلی صاحب ریاض (مؤلف ریاض المسائل متوفی ۱۲۳۱ ه. ق) بوده است ۱۷.

- ۱۲- عالم‌آرای عباسی جلد ۱ صفحه ۱۴۶.
- ۱۳- ر. ک این مقدمه احفاد میرداماد. ص ۳۶.
- ۱۴- فهرست سپہسالار ج ۱ ص ۲۴۵.
- ۱۵- معجم المؤلفین جلد ۳ صفحه ۱۹۸ و ۱۹۹.
- ۱۶- اعیان الشیعه جلد ۳۶ صفحه ۲۰۷.
- ۱۷- ریحانة الادب جلد ۳ صفحه ۷۵.

د - علی بن محمد بن علی الرضوی التبریزی النجفی نیز که از فقها و اصولیان شیعه بوده است و به سال ۱۳۳۶ در گذشته است از تألیفات او «اصول الفقه» است ۱۸.

۴ - سید: آوردن لفظ سید در ابتدای نام میر محمدباقر که معادل میر است به علت انتساب وی به خاندان پیامبر می باشد. این عنوان معمولاً بالقب داماد به صورت سید داماد یا السید الداماد بکار رود ۱۹.

۵ - سید الحکماء، سید الفلاسفه: بنا به گفته مولوی محمد مظفر حسین، میر داماد «مخاطب به سید الحکماء» ۲۰ بوده است، و برخی نیز عنوان «سید الفلاسفه» را یاد کرده اند ۲۱.

۶ - معلم ثالث: علیقلیخان واله داغستانی نویسد: «وی را ثالث المعلمین گویند» ۲۲. محمد بن سلیمان تنکابنی نویسد: «آن جناب خود را معلم می دانست و لذا در بعضی از تألیفات می گوید» «قال شریکنا فی التعلیم ابونصر الفارابی» و اگر قولی از بهمنیار بخواهد نقل کند می گوید «قال تلمیذ نابهنیار» ۲۳ و چنانکه می دانیم معلم اول ارسطو و معلم ثانی ابونصر فارابی است. «تخلص»

چنانکه خواهیم گفت میر داماد شعر نیز می سروده و در شعر «اشراق» تخلص می کرده است چنانکه در این رباعی گوید:

اشراق دل از غم بنان شاد مکن

بتخانه ز سنگ کعبه آباد مکن
این دیر فنا را سرآبادی نیست
رو در ره سیل خانه آباد مکن ۲۴

اشراق در لغت درخشیدن و روشن شدن و روشن است ۲۵ مولوی نیز فرماید:

ز مهری سر از پر کند آفاق را

چه غم آن خورشید با اشراق را ۲۶
لغت اشراق در حکمت و تصوف به اصطلاحی خاص بکار رفته است که ذکر آن در اینجا ما را از بیان مقصود باز دارد ۲۷ بهر صورت اشراق نخستین بار در میان حکما و فلاسفه اسلامی لقب شیخ شهاب الدین ابوالفتوح یحیی بن حبش بن امیرک السهروردی (۵۴۹ - ۵۸۷) قرار گرفت و آن فیلسوف شهید را غالباً «شیخ اشراق» می خواندند ۲۸. برگزیدن میر داماد این تخلص را نیز حاکی از تمایل وی به مذهب اشراق است. پس از میر داماد یک دوشاعر دیگر نیز با این تخلص دیده می شوند یکی عبدالرزاق بن حاج سید محمد اصفهانی از شعرای عهد ناصرالدین شاه قاجار ۲۹ و دیگر اشراق بروجردی.

«نسبت»

میر داماد را به نسبت هائی چند یاد کرده اند:

۱- استرآبادی: که به مناسبت مولدوی استرآباد است ۳۰.

۲- اصفهانی: که به نسبت اقامت طولانی و توطنش در اصفهان بدان منسوب گردیده چنانکه در اکثر تذکرها با این نسبت یاد شده و آذربیکدلی او را در شمار شاعران ولایت اصفهان آورده است ۳۱.

۳- حسینی: میر داماد چنانکه پیشتر نیز اشارت کردیم از خاندان رسول (ص) ۳۲ و عنوان میر و سید نیز مشعر بدان است. در جمیع مآخذ او را حسینی

۲۳- قصص العلماء صفحه ۳۳۳.

۲۴- تذکره روز روشن صفحه ۵۲.

۲۵- آندراج - غیاث اللغات - فرهنگ نظام ذیل «اشراق».

۲۶- فرهنگ لغات و اصطلاحات مثنوی ج ۱ ص ۲۰۰.

۲۷- ر . ک فرهنگ اصطلاحات علوم عقلی.

۲۸- ر . ک تاریخ ادبیات در ایران دکتر صفا ج ۲ ص ۲۹۷.

۲۹- ر . ک مجمع الفصاح ج ۲ ص ۷ و ۶۲ و ریاض ص ۱۶۶.

۳۰- ر . ک این مقدمه مولد. ص ۳۸.

۳۱- ر . ک آتشکده مصحح سادات ناصری ج ۳ ص ۹۲۴ طبع شهیدی ص ۱۷۳.

۳۲- قصص العلماء صفحه ۳۳۳.

۱۸- معجم المؤلفین جلد ۲ صفحه ۲۱۷ - ۲۱۸.

۱۹- غیر از میر داماد در میانه رجال شیعه عنوان سید در مورد چند تن دیگر بکار میرود و هر یک را با نسبت یا صفتی از دیگری معین میدارد از جمله: سید مرتضی (= علی بن الحسین الموسوی متوفی ۴۳۸) سید بن زهره (= حمزه بن علی متوفی ۵۸۵) سید طباطبائی (سید مهدی بن مرتضی الخائری) سید رشتی (محمد باقر بن محمد تقی) (رجوع کنید به المستطرفات فی الالتاب والکنسی و النسب صفحه ۳۰۰ - ۳۰۱).

۲۰- تذکره روز روشن صفحه ۵۱.

۲۱- فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه جلد ۱ صفحه ۳۹۱.

۲۲- ریاض الشعر - نسخه خطی کتابخانه ملی.

دانسته‌اند یعنی از فرزندان حسین بن علی ابی‌طالب و حتی محمد بن سلیمان تنکابنی بدان تصریح کرده است ولی سیدعلیخان نسبت وی را «الحسنی» آورده است ۳۳ و پیدا است که قول او با توجه به اجماع مورخین و نوشته‌های خود میرداماد که در اوائل کتب و ذیل مکتوباتش به حسینی اشارت دارد، مردود است.

پدر و مادر

پدر -

پدر میر محمد باقر، (یا امیر) شمس‌الدین محمد استرآبادی است که تقی‌الدین کاشی نام او را با عنوان «سیدالسادات» ۳۴ آورده است. نام وی در جمیع مآخذ محمد آمده است جز در قاموس الاعلام ترکی که به صورت «سید محمود» ضبط است ۳۵.

از احوال وی اطلاعی در دست نیست ولی باید از علماء و فضلاء عهد خود بوده باشد و مصاهرت با محقق ثانی خود مشعر بدین معنی است.

مادر -

مادر میرداماد دخت مجتهد معروف عهد صفوی محقق ثانی شیخ نورالدین علی بن حسین بن عبدالعالی العاملی الکرکی ۳۶ است و اصحاب رجال اغلب متذکر این معنی شده‌اند. چنانکه سیدجمال‌الدین حسین بروجردی در «رجال» منظومش گوید:

والسید الداماد سبط الکرکی

مقبضه الراضی عجیب‌المسلکی ۳۷

در باب ازدواج میرشمس‌الدین محمد والد میر داماد بادخت محقق ثانی افسانه‌ای نیز پرداخته‌اند که در بعضی کتب تذکره و تواریخ آمده است و بی‌مناسبت نمی‌دانیم آنرا ذیلاً از گفته والہ داغستانی نقل کنیم:

۳۳ - سلافة العصر صفحه ۴۸۶.

۳۴ - خلاصة الأشعار نسخه خطی مجلس.

۳۵ - قاموس الاعلام (ترکی) ج ۶ ص ۴۱۸۷.

۳۶ - شیخ نورالدین ابوالحسن علی بن حسین بن عبدالعالی عاملی کرکی معروف به محقق ثانی و محقق کرکی از مروجین مذهب شیعه و کبار علماء این فرقه در قرن دهم است و بسی از بزرگان شیعه چون شهید ثانی از شاگردان او بوده‌اند وی اصلاً اهل شام بود و آنگاه چندی به عراق عرب اقامت نموده و سرانجام به ایران می‌آید و مورد توجه شاه طهماسب صفوی قرار می‌گیرد و منصب

«جناب شیخ (محقق کرکی) در خواب حضرت سیدالاولیاء امیرالمومنین علیه‌السلام را دید که به شیخ می‌فرمود که دختر خود را به میرشمس‌الدین عقد کن که ازو فرزندی متولد خواهد شد که وارث علوم انبیا و اوصیا باشد شیخ به موجب اشارت صبیبه خود را به وی عقد کرد بعد از انقضای مدتی صبیبه شیخ بجوار رحمت ایزدی پیوست و طفلی از آن بوجود نیامد شیخ اندیشه‌مند شد که اثر آن خواب بظهور نیامد باز حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام را بخواب دید که می‌فرمود که باین دختر خود نگفته بودیم بلکه غرض بافلان دختر بود. شیخ همان دختر را بحاله نکاح میرشمس‌الدین در آورد و آن دختر والده ماجده میرمحمد باقر است ۳۸.

این نکته را نیز در اینجا قابل تذکر می‌دانیم که در مورد جد مادری میرداماد بعض نویسندگان متأخر دچار اشتباه شده‌اند و بجای «علی بن عبدالعالی»، «عبدالعالی» ضبط کرده‌اند. در صورتیکه عبدالعالی فرزند علی بن عبدالعالی سابق‌الذکر است و خال میر داماد و استاد روایت وی ۳۹. و شاید همین نسبت استادی و تلمذ سبب چنان خلط و خبطی شده باشد.

«ولادت»

تاریخ ولادت میرداماد در هیچ يك از مآخذ و منابع موجود یافت نشد جز اینکه در حاشیه «نخبة المقال» سیدجمال‌الدین حسین بروجردی ضمن شرح کوتاهی که درباره میرداماد نوشته شده است چنین مرقوم گردیده «تاریخ میلاده فی ۹۶۹، ولی مآخذ و مدرک آن دانسته نیست. آقای سعید نفیسی نویسد: «تاریخ ولادت میرداماد بدست نیست اما ظاهر امر آنست که وی لااقل ده سال کمتر از بهائی بوده زیرا که ده سال پس از وی در سال ۱۰۴۰ در گذشته است و بهائی پس

شیخ‌الاسلامی می‌یابد. وفاتش بسال ۹۴۰ در نجف اتفاق افتاده و جمله «مقتدای شیعه» (۹۴۰) مطابق این تاریخ است از آثار اوست اثبات الرجعة - اسرار الالهوت - جامع المقاصد - الجعفریة فی الصلوة و غیرها (ر. ک: ریحانة الادب جلد ۳ صفحه ۴۹۲ و روضات صفحه ۳ و جامع الرواة اردبیلی ج ۱ ص ۵۸۹).

۳۷ - نخبة المقال فی احوال الرجال ص ۸۹.

۳۸ - ریاض الشعرنا نسخه خطی کتابخانه ملی.

۳۹ - برای ترجمه احوالش ر. ک: این مقدمه استادان ص ۴۰

از وی نامانده^{۴۰}. و چون تاریخ ولادت بهائی ۹۵۳ است بنابراین به قول آقای نفیسی باید ولادت میرداماد حدود ۹۶۳ باشد هر چند که طول وقصر عمر کسی ملاک تاریخ ولادت او نتواند بود.

ولی اگر فرض کنیم میر عمری متوسط و طبیعی حدود ۷۰ یافته است (خاصه که هیچیک از اصحاب تاریخ به طول عمر وی یا کوتاهی آن اشارت نکرده اند) با توجه به تاریخ وفات وی که ۱۰۴۰ یا ۱۰۴۱ است قبول تاریخ‌های فوق چندان مستبعد بنظر نمی‌رسد. علی‌ای نحوکان ولادت میرداماد در نیمه دوم قرن دهم اتفاق افتاده است.

«مولد»

میر محمدباقر «از اعظام سادات دارالمؤمنین استرآباد»^{۴۱} بوده و ولادتش در همانجا روی داده است و از این روی او را استرآبادی الاصل^{۴۲} نویسنده.

استرآباد در قدیم از ولایت مازندران بشمار می‌رفته^{۴۳} و از اقلیم چهارم محسوب بوده است. حمدالله مستوفی درباره آن نویسد: «شهری وسطیت نزدیک به دریای خزر و آب و هوای معتدل دارد و حاصلش غله و میوه وانگور و ابریشم باشد»^{۴۴} در سال ۱۳۸۴ میلادی تیمور بدانجا درآمد و به تخریب و قتل عام پرداخت چنانکه استرآباد صورت ویرانه‌ای یافت.

در عهد صفویان، شاه عباس گروهی از قزلباشان قاجار را بدانجا کوچاند و در عمران آن کوشید چنانکه در عهد صفویه استرآباد رونق و شوکتی یافت. در این شهر بود که فیلسوف عهد صفوی قدم بعرضه و چوچود نهاد ولی صاحب روضات مولد میرمحمدباقر داماد و حکیم دیگر آن عصر یعنی میرابوالقاسم قنندرسکی را یکی دانسته و هر دو را از قریه‌های فنندرسک از اعمال استرآباد شمرده بهر صورت مولد میرداماد استرآباد و

۴۰- احوال و اشعار شیخ بهائی صفحه ۵۲.

۴۱- ذیل تاریخ عالم آرای عباسی صفحه ۲۹۷.

۴۲- ریحانة الادب جلد ۴ صفحه ۱۱۷.

۴۳- استرآباد دیرین جای خود را به شهرستان گرگان کنونی داده است که منطقه‌ای خرم و آبادان است (ر.ک فرهنگ جغرافیایی ایران از انتشارات ارتش ج ۳ صفحه ۲۵۵). نام استرآباد اکنون فقط در دهستانی از بخشهای مرکزی گرگان بنام «استرآباد

انتسابش بدانجاست.

«تحصیلات»

از آغاز حیات و عهد شباب میرمحمدباقر اطلاعی وسیع در دست نداریم. چنانکه گذشت، پدرمیر، خود اهل فضل و دانش بوده است، و شاید که تحصیلات مقدماتی وی نزد والدش انجام شده باشد، ولی قسمت عمده تحصیلاتش در مشهد رضوی انجام شده است چنانکه تقی‌الدین کاشی نویسد: «سالها در مشهد مقدسه رضویه - علی سکنها السلام - ساکن بود، به طلب علوم مشغولی می‌نمود و اکثر متداولات معقول و منقول را مطالعه فرموده»^{۴۵} از فحوای سخن مورخین پیداست که از عهد صباوت به مشهد رحلت کرده و به کسب دانش پرداخته چنانکه اسکندربیک منشی نویسد: «در صغر سن در مشهد مقدس معسی واقع شده»^{۴۶} و نیز در ذیل عالم آرا آمده است: «در بهار نشود و نما و اوان خرد سالی در مشهد مقدس معسی قدم در دبستان بی‌مثالی نهاده در آن ارض مقدس ابواب تحصیل علوم انفسی و آفاقی بر روی ذهن وقادگشاده»^{۴۷} خلاصه آنکه میرجمیع علوم عصریه خود از معقول و منقول را در خدمت استادان خراسان بیاموخت و هم در آنجا به مرتبه‌ای رسید که به گفته صاحب خلاصه الاشعار: «در اکثر مطالب عالیه حکمیات و ریاضیات، رسائل و حواشی تصنیف نمود».

گویا تحصیلات میر قسمتی نیز در عراق (عراق عجم) انجام شده است چنانکه واله داغستانی نویسد «جناب میر مدتها در خراسان و عراق در خدمت دانشمندان مشغول تحصیل علوم شد»^{۴۸}.

استادان

استادان میر بدانگونه که از کتب تاریخ و رجال برمی‌آید عبارتند از:

۱- میرفخرالدین سماک (یاسماکی) استرآبادی-

رستاق بجاست (ر.ک ایضاً فرهنگ جغرافیایی ارتش جلد ۳ ص ۱۳).

۴۴- نزهة القلوب مقاله سوم صفحه ۱۹۸.

۴۵- خلاصه الاشعار نسخه خطی کتابخانه مجلس.

۴۶- تاریخ عالم آرای عباسی ۱۴۶.

۴۷- ذیل عالم آرا صفحه ۲۹۸.

۴۸- ریاض الشعرا نسخه کتابخانه ملی.

سید محمد بن حسن حسینی یا حسنی استرآبادی از دانشمندان قرن یازدهم بوده است و به گفته اسکندر بیک استاد میرداماد بوده. از احوالش اطلاعی مبسوط در دست نداریم جز اینکه می‌دانیم از اهل استرآباد است و در نامش نیز اختلاف کرده‌اند و برخی فخرالدین را نام وی و سید محمدا پدرش شمرده‌اند.^{۴۹}

۲- شیخ تاج‌الدین ابومحمد عبدالعالی: پسر المحقق الثانی نورالدین علی بن الحسین بن عبدالعالی الکرکی که بتاريخ ۱۹ ذی‌القعدة ۹۲۶ ولادت یافته و در سال ۹۹۳ در اصفهان در گذشته است. وی از کبار مشایخ شیعه بوده است و حر عاملی در حق او نویسد: «کان فاضلاً فقیهاً محدثاً محققاً متکلماً عابداً من المشایخ الاجلاء»^{۵۰} و در خدمت والدش شیخ نورالدین علی تلمذ کرده است و هم از وی روایت کند.^{۵۱} از تالیفات او رساله‌ای است در قبله عموماً و قبله خراسان خصوصاً^{۵۲} شیخ عبدالعالی استاد میرداماد بوده و میر از او اجازه روایت داشته است چنانکه حر عاملی آن اجازه را دیده بوده است.^{۵۳}

۳- شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد:

شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد بن شمس‌الدین محمد بن علی بن حسن بن محمد بن صالح جهباعی حادثی عاملی حمدانی^{۵۴} از بزرگان شیعه در قرن دهم است. نسبش به حارث بن عبدالله اعور حمدانی از اصحاب علی بن ابیطالب می‌پیوندد. خاندان وی در جبل عامل لبنان که از مراکز شیعیان بوده است می‌زیسته‌اند و شیخ عزالدین حسین خود به سال ۹۱۸ در آنجا ولادت یافته و در خدمت یکی از بزرگان شیعه یعنی زین‌الدین علی بن احمد عاملی معروف به «شهید ثانی» تلمذ کرد و پس از کشته شدن استادش عزم ایران نمود و منظور نظر شاه محمد خدا بنده سلطان صفوی قرار گرفت و به منصب شیخ‌الاسلامی خراسان و هرات برگزیده شد و

۴۹- ریحانة‌الادب ج ۲ صفحه ۲۲۲ و عالم‌آرا ص ۱۴۶ و ذیل عالم‌آرا ص ۲۹۸.

۵۰- اعیان‌الشیعه جلد ۳۹ ص ۴۱ - امل‌الامل ص ۱۹.

۵۱- لؤلؤة‌البحرین ص ۹۰.

۵۲- امل‌الامل ص ۱۹.

۵۳- امل‌الامل ص ۴۹۸.

۵۴- مستدرک‌الوسائل ج ۳ ص ۳۷۲.

۵۵- برای احوال شیخ عزالدین رجوع فرمائید: اعیان‌الشیعه ج ۲۶

بافاده علوم دینی و ترویج مذهب شیعه پرداخت آنگاه به زیارت کعبه رهسپر شد و پس از آن چند روزی در بحرین رحل اقامت افکند تا آنکه در همان جا اجلاس فرا رسید و به سال ۹۸۴ بسن ۶۶ سالگی درگذشت. از آنا شیخ عزالدین حسین آنچه نام برده‌اند عبارت است از اربعین حدیث - حاشیه ارشاد - تحفة‌الایمان فی قبله عراق العجم و خراسان^{۵۵}.

تلمذ میرداماد در خدمت شیخ عزالدین حسین، علی‌الظاهر باید در هنگامی باشد که وی در مشهد اقامت داشته است.

میر از شیخ عزالدین اجازه روایت داشته و اجازه نامه وی را صاحب امل‌الامل دیده بوده است.^{۵۶}

۴- سید نورالدین علی بن ابی‌لحسن الموسوی عاملی:

بنا بدانچه در روضات آمده است^{۵۷} وی نیز استاد روایت میر بوده و هم در آنجا حرزی نقل شده است که آنرا میر از سید نورالدین در مشهد مولانا الرضا (ع) بسنا باد طوس^{۵۸} شنیده و معلوم می‌گردد که میر در خراسان محضر سید نورالدین را درک کرده است. این سید نورالدین علی‌الظاهر باید همان سید نورالدین علی بن سید علی بن حسین بن علی ابن الحسن حسینی موسوی عاملی باشد که این شخص در بدایت در شام می‌زیسته و سرانجام در مکه رحل اقامت افکنده چیزی که در تطبیق این شخص با استاد میرداماد بعید بنظر می‌رسد یکی عدم تذکر اصحاب تاریخ و رجال است به توقف این شخص در ایران خاصه خراسان دیگر طول عمر وی که وفاتش را به سال ۱۰۶۸ نوشته‌اند.

۵- سید حسین بن حیدر الکرکی عاملی - که صاحب روضات ویرا از اساتید اجازه بشمار آورده است.^{۵۹} ولی از احوالش چیزی بدست نیامد.

ص ۲۳۶ مستدرک‌الوسائل جلد ۳ صفحه ۳۷۲ امل‌الامل صفحه ۴۳۴ تاریخ عالم‌آرای عباسی جلد ۱ ص ۱۵۵ احوال و اشعار شیخ بهائی صفحه ۱۰.

۵۶- امل‌الامل صفحه ۴۹۸.

۵۷- امل‌الامل صفحه ۱۱۵.

۵۸- امل‌الامل صفحه ۱۱۵.

۵۹- روضات صفحه ۱۱۵.